بازخوانی نظریهٔ ابن تیمیه دربارهٔ حدیث «باب»، و نقد آن با تکیه بر منابع أهل سنّت

محسن رفیعی*
معصومه شریفی**

چکیده: حدیث «باب» یا حدیث «مدینة العلم»، به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله در شأن امیرمؤمنان امام علی علیه السلام، با طُرق گوناگون و سندهای صحیح و حَسَن در منابع اهل‌سنّت وارد شده است. این حدیث، جایگاه والا و گسترهٔ مرجعیت علمی آن حضرت را نشان می‌دهد.

ابن تیمیه، با تکیه بر نظر ابن جوزی، به تکذیب سند و توجیه متن حدیث «باب» پرداخته است. بررسی سیرهٔ ابن‌تیمیه در برخورد با فضایل اهل‌بیت رسول صلی الله علیه و آله، نشان داده که وی با اعتماد به استدلالهای نااستوار، نسبت به فضیلت سوزی و مرجعیت زدایی از اهل‌بیت علیهم السلام و فضیلت‌سازی و مرجعیت‌نمایی برای دیگران همّت گمارده است.

سخنان ابن تیمیه، به دلیل ناسازگاری با مسلّمات تاریخی و منابع

*. عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (تربیت معلّم آیت الله طالقانی ـ قم)
**. عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (تربیت معلّم حضرت معصومه ـ قم)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

اهل‌سنّت، پذیرفتنی نیست و قابل نقد است.
کلیدواژه‌ها: حدیث «باب» / حدیث «مدینة العلم» / امام علی علیه‌السلام / مرجعیت علمی / ابن تیمیه.

بیان مسأله

مسئلهٔ اعلمیت و مرجعیت علمی امام علی علیه‌السلام پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، از مسائل مطرح در میان مسلمانان است؛ به گونه‌ای که از دیرباز، توجّه بسیاری از محدّثان، مفسّران، متکلّمان، فقیهان و تاریخ‌نگاران را به خود معطوف نموده است. طرفداران نظریهٔ اعلمیت و مرجعیت علمی امام علی علیه‌السلام برای اثبات دیدگاه خویش، به دلایل قرآنی و روایی استناد کرده‌اند که حدیث «باب» یا حدیث «مدینةالعلم»، یکی از همان دهها دلایل روایی است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیث «باب»، خویش را «شهر علم»، و امیرمؤمنان امام علی علیه‌السلام را «دروازهٔ این شهر» معرفی کرده است.

ابن تیمیه، حدیث «باب» را ساختگی می‌داند. وی، پس از تکذیب سند، به توجیه متن حدیث پرداخته است. قرطبی نیز با پیروی از ابن تیمیه، ضمن باطل انگاشتن این حدیث، آن را ساخته و پرداختهٔ شیعه می‌داند؛ سپس در توجیه دیدگاه خویش، این‌گونه می‌نویسد: «پیامبر شهر علم است و یارانش درهای آن».

اساسی‌ترین مسئله در این پژوهش، بررسی حدیث یاد شده بر اساس دیدگاه اهل سنّت است. اینک در پی یافتن پاسخ مناسب برای این پرسشها هستیم: آیا حدیث «باب»، از اصالت برخوردار است؟ سند این حدیث، از چه درجه‌ای از صحّت در منابع اهل سنّت برخوردار است؟ دلایل ابن تیمیه در تکذیب سند و توجیه متن حدیث یاد شده چیست؟ آیا دلایل وی استوار است؟ نقدهای وارد بر نظریهٔ ابن تیمیه چیست؟

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

نیم‌نگاهی بر دیدگاه ابن تیمیه دربارهٔ حدیث «باب»

۱. تکذیب سند

ابن تیمیه، در جواب علاّمه حلّی که به برخی از آیات و روایات، از جمله حدیث «باب»، برای اثبات افضلیت و اعلمیّت امیر مؤمنان امام علی علیه‌السلام استناد کرده؛ می‌نویسد: «و این حدیث [(حدیث باب)] ضعیف‌تر و سست‌تر [از آن دلایلی است که برای اثبات افضلیت و امامت علی آورده شده] می‌باشد؛ لذا در زمرهٔ احادیث جعلی به شمار می‌آید؛ گرچه آن را ترمذی روایت کرده ولی ابن جوزی آن را ذکر کرده و بیان نموده که تمام طُرق آن جعلی است و دروغ بودنش از خود متن نیز شناخته می‌شود».

۲. توجیه متن

وی پس از تکذیب سند، در پی توجیه متن برمی‌آید و می‌گوید: «اگر پیامبر، شهر علم باشد و برای آن، یک در وجود داشته باشد، تنها یک علم از آن تبلیغ می‌شود و امر اسلام تنها یک مبلّغ از سوی پیامبر برای علم خواهد داشت؛ بلکه واجب است به تواتر از سوی مبلّغان باشد...»[۱].

قرطبی نیز با پیروی از ابن تیمیه، حدیث «باب» را حدیثی باطل می‌داند و معتقد است که: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شهر علم است و یارانش درهای آن؛ پس برخی از آنان بر اساس جایگاه‌شان در علوم، دری باز و یا متوسط‌اند.

امّا آن که گفته آنان همهٔ مؤمنان هستند، راست گفته؛ زیرا هر مؤمنی کتاب را می‌داند و وجه اعجازش را درک می‌کند و به راستیِ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گواهی می‌دهد».[۲]

۱. ابن تیمیة، منهاج السّنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة، ج ۴، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.
۲. قرطبی، ج ۹، ص ۳۳۶ و ۳۳۷ (در پاورقی آمده است: «**جزم ابن تیمیّة بأنّه من وضع الشیعة**»).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

گذری بر مجموعه احادیث «باب»

دیدیم که ابن‌تیمیه، به تکذیب سند و توجیه متن حدیث «باب» پرداخته است. اکنون ببینیم حدیث «باب» چیست و از چه جایگاهی نزد اهل سنّت برخوردار است؛ تا از این مسیر، میزان صداقت ابن تیمیه روشن شود.

مجموعه احادیث «باب» راکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در شأن امیرمؤمنان امام علی علیه السلام فرموده است، با سه دسته از الفاظ می‌توان در منابع حدیثی دید: ۱ـ **أنامدینةُ العلمِ و علی بابُها**؛ ۲ـ **أنا مدینةُ الحکمهِ و علی بابُها**؛ ۳ـ **أنا دارالحکمهِ و علی بابُها**.

بسیاری از محدّثان، مفسّران و تاریخ‌نگاران نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«أنَا مدینةُ العلمِ و علیٌّ بابُها؛ فمَن أراد المدینةَ فلیأتِ البابَ»

حاکم نیشابوری، حدیث یاد شده را با اسناد خویش، از ابن عبّاس، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده؛ سپس می‌نویسد: «**هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یُخرجاه**»[1].

این روایت، با الفاظی دیگر نیز نقل شده است؛ از جمله:

«أنَا مدینةُ العلمِ و علیٌّ بابُها؛ فمَن أراد العلمَ فلیأتِ البابَ»[2]

---

۱. حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ (به نقل از: ابن عباس)؛ متقی هندی، ج ۱۳، ص ۱۴۸.

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین: ج ۳، ص ۱۲۷ (به نقل از: جابر بن عبدالله)؛ سیوطی، الجامع الصغیر: ج ۱، ص ۴۱۵؛ مناوی، فیض القدیر شرح الجامع الصغیر: ج ۳، ص ۶۰ و ۶۱ (مناوی، پس از نقل حدیث آورده است: فإنّ المصطفی صلی الله علیه و سلم المدینة الجامعة لمعانی الدیانات کلّها أو لابدّ للمدینة من باب فأخبر أنّ بابها هو علیّ کرّم الله وجهه، فمن أخذ طریقه دخل المدینة و من أخطأه أخطأ طریق الهدی و قد شهد له بالأعلمیّة الموافق و المخالف و المعادی و المحالف... صحّحه و کذا أبوالشیخ [ابن حبّان] فی السنّة کلهم [عن ابن عباس] ترجمان القرآن، عن [جابر بن] عبدالله و رواه أحمد بدون «فمن». قال الذهبی کابن الجوزی: موضوع. و قال أبوزرعة: کم خلق افتضحوا به. قال ابن معین: لا أصل له. و قال الدار قطنی: غیر ثابت. و قال الترمذی عن البخاری: منکر و تعقّبه جمع أئمة منهم الحافظ العلائی فقال: من حکم بوضعه فقد أخطأ و الصواب أنه حسن باعتبار طرقه لا صحیح و لا ضعیف و لیس هو من الألفاظ المنکرة الذی تأباها العقول... و قال الزرکشی: الحدیث ینتهی إلی درجة الحسن المحتج به و لا یکون ضعیفاً فضلاً عن کونه موضوعاً و فی لسان المیزان هذا الحدیث له طرق کثیرة فی المستدرک أقل أحواها أن یکون ←

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

«أنا مدينةُ العلمِ و عليٌّ بابُها؛ فمَن أراد العلمَ فليأتِها مِن بابِها»[1]

«أنَا مدينةُ العلمِ و عليٌّ بابُها؛ فمَن أراد العلمَ فليأتِه من بابِه»

«أنَا مدينةُ العلمِ و عليٌّ بابُها»[2]

← للحديث أصل و لا ينبغى إطلاق القول عليه بالوضع. و رواه الخطيب فى التاريخ باللفظ المزبور من حديث ابن معاوية عن الأعمش عن مجاهد عن ابن عباس ثم قال: قال القاسم: سألت ابن معين عنه فقال: هو صحيح. قال الخطيب: قلت أراد أنه صحيح من حديث أبى معاوية و ليس بباطل إذ رواه غير واحد عنه و أفتى بحسنه ابن حجر و تبعه البخارى فقال: هو حديث حسن)؛ عجلونى، كشف الخفاء: ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۰۴ (با اين لفظ: «فمن أتى»)؛ حاكم حسكانى، ج ۱، ص ۱۰۴ نيز بنگريد: صديق مغربى، «فتح الملک العلى»؛ عبقات الأنوار، مجلد حديث مدينة العلم).

۱. حاكم نيشابورى، ج ۳، ص ۱۲۷ (به نقل از: ابن عباس)؛ عبدالله بن الصديق المغربى، رد اعتبار الجامع الصغير: ص ۱۵ (أنا مدينة العلم و عليٌّ بابها فمن أراد العلم فليأت بابه. قال الألبانى: موضوع. و قال الشيخ بل صحيح)؛ ابن أبى الحديد معتزلى، ج ۷، ص ۲۱۹.

. طبرانى، ج ۱۱، ص ۵۵؛ هيثمى، ج ۹، ص ۱۱۴ (به نقل از: ابن عباس)؛ حاكم حسكانى، ج ۱، ص ۴۳۲ (به نقل از: امام على عليه‌السلام).

۲. زمخشرى، ج ۲، ص ۱۶؛ الفتنى، ص ۹۵ (**أورده من حديث علىّ و ابن عباس و جابر قلت قد تعقب العلائى على ابن الجوزى فى حكمه بوضعه ينتهى بطرقه إلى درجة الحسن فلا يكون ضعيفاً فضلاً عن أن يكون موضوعاً و قال ابن حجر صحّحه الحاكم و خالفه ابن الجوزى فكذبه و الصواب خلاف قولهما و الحديث حسن لا صحيح و لا كذب**)؛ مناوى، ج ۱، ص ۴۹ («**أنا مدينة العلم و علىّ بابها**» **أى به يتوصّل و قد يقال أبواب الجنّة و أبواب جهنّم للأسباب الموصلة إليها**)؛ سقاف، ج ۳، ص ۸۳-۸۱ (صحّحه ابن معين كما فى «تاريخ بغداد»، و الإمام الحافظ ابن جرير الطبرى فى «تهذيب الآثار» مسند سيّدنا علىّ و الحافظ العلائي في «النقد الصحيح»، و الحافظ ابن حجر و الحافظ السيوطى كما فى «اللئالى المصنوعة»، و الحافظ السخاوى كما فى «المقاصد الحسنة»)»؛ علوى، ص ۳ و ۱۰ و ۱۱ (اين حديث را صحيح دانسته و در شرح اين دو حديث: «أنا مدينة العلم و عليٌّ بابها» و «أنا دار الحكمة و عليٌّ بابها» آورده است: «يفيد أنّ جميع ما فى المدينة و الدار من العلم و الحكمة يكون طريق خروجه من هذا الباب. و لهذا جاء بعده: فمن أراد العلم أو قال الحكمة فليأت الباب. و هذا فيه حصر ادعائىّ، و هو يفرض أن عدى المقصور عليه فى حكم المعدوم، و هو فى الحقيقة ليس بمعدوم. و ذلک إذا علم أنّ أحداً وصل فى وصف الغاية و الذروة جاز أن يحصر هذا على وجه المبالغة، كأنه وحيد فيه، مع أنّ الحقيقة غير ذلک، فيكون هذا الباب الذى يخرج منه علم المدينة أو الذى يخرج منه حكمة الدار هو علىّ عليه‌السلام، مبالغة، مع أنّ غير علىّ يشارک علياً من الأخذ عن طريق هذا الباب من علم المدينة أو حكمة الدار، لكن لما كان أكثر علم هذا الباب يحمله علىّ عليه‌السلام، أطلق عليه أنه الباب، و يرجع ذلک إلى أنّ علياً أعلم الصحابة)؛ حاكم حسكانى، ج ۱، ص ۱۰۷ (به نقل از: امام على عليه‌السلام)؛ راغب، ص ۶۴ (أى به يتوصل).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

«أنَا مدينةُ العلمِ و عليٌّ بابُها؛ فمَن أراد المدينةَ فليأتِها مِن بابِها»[1]

«أنَا مدينةُ العلمِ و عليٌّ بابُها؛ فمَن أراد الدارَ فليأتها مِن قبل بابِها»[2]

«أنَا مدينةُ العلمِ و عليٌّ بابُها؛ فمَن أراد العلمَ فليأتِها مِن بابِها»[3]

«أنَا مدينةَ العلمِ و عليٌّ بابُها؛ فمَن أراد العلمَ فليأتِ بابَ المدينةِ»[4]

حدیث «باب»، بیانگر دو نکتهٔ اساسی است: یکی اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله، یگانه شهر، برای همهٔ علوم دین است؛ دیگر اینکه امیرمؤمنان علیه السلام نیز یگانه در، برای این شهر است. هرکس بخواهد جرعه‌ای از اقیانوس علم پیامبر صلی الله علیه و آله را بنوشد، باید از شریعهٔ امام علی علیه السلام بگذرد. این حدیث، یکی از بهترین نشانه‌ها بر اعلمیّت و مرجعیّت امام علی علیه السلام در امّت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

از ابن عبّاس نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«أنَا مدينةُ الحكمةِ و عليٌّ بابُها»[5]

نیز از امام علی علیه السلام و ابن عبّاس نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«أنَا دارُ الحكمةِ و عليٌّ بابُها»[6]

---

۱. متقی هندی، ج ۱۳، ص ۱۴۷ (به نقل از ابن عباس).

۲. حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۵ (به نقل از ابن عباس مرفوعاً)؛ أحمد بن الصدیق المغربی، ص ۴۴ (با سند از ابن عباس).

۳. حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۶ (به نقل از امام علی علیه السلام).

۴. حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۷ (از امام علی علیه السلام).

۵. أحمدبن الصدیق المغربی، ص ۴۳.

۶. ترمذی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۱ (ترمذی نوشته: هذا حدیث غریب منکر روی بعضهم هذا الحدیث عن شریک و لم یذکروا فیه عن الصنابجی و لا نعرف هذا الحدیث عن أحد من الثقات غیر شریک)؛ ألبانی، ص ۵۰۱؛ مبارکفوری، ج ۱۰، ص ۱۵۵ و ۱۵۶ (دربارهٔ این سخن ترمذی: «هذا حدیث غریب منکر» می‌نویسد: اختلف أهل العلم فی هذا الحدیث فقال ابن الجوزی و غیره إنه موضوع و قال الحاکم و غیره إنه صحیح. قال الحافظ ابن حجر و الصواب خلاف قولهما معا و أنّ الحدیث من قسم الحسن لا یُرتقَی إلی الصحّة و لا ینحطّ إلی الکذب...)؛ أبویعلی موصلی، ج ۲، ص ۵۸؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۴۱۵؛ متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۰۰ و ج ۱۳، ص ۱۴۷؛ حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ عبدالله بن ←

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

علاوه بر نسبت میان «مدینه» با «دار» و «علم» با «حکمت»، از این دو مجموعه حدیث به دست می‌آید که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، یگانه شهر و خانهٔ همهٔ علوم است؛ و از آنجا که بهترین محافظ برای آن، دیوار و حصار آن است و برای رسیدن به درون، چاره‌ای جز ورود از مسیر دروازهٔ آن نیست؛ پس هرکس این دروازه را یافت و از آن پیروی کرد، به درون شهر نیز راه می‌یابد و هرکس به خطا رفت، به درون شهر نیز راه نخواهد یافت.

از این احادیث می‌توان فهمید که امام علی علیه السلام بهترین مرجع و راهنما برای دستیابی به همهٔ شریعت است که سرچشمه‌اش نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

افزون بر مجموعه احادیث «باب»، احادیث دیگری نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله دربارهٔ جایگاه علمی امام علی علیه السلام نقل شده است که می‌تواند تفسیری برای حدیث «باب» باشد. برخی از این احادیث، چنین است.

الف) حدیث «عیبة علمی»

از ابن عبّاس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«علیٌّ عیبةُ علمی»[1]

مناوی، در «فیض القدیر شرح الجامع الصغیر»، حدیث یاد شده را این‌گونه تبیین می‌کند:

← الصدیق المغربی الغماری، ص ۱۵ (قال الألبانی: موضوع و قال الشیخ ضعیف)؛ أحمد بن الصدیق المغربی، ص ۴۴ (از ابن عباس)، ص ۵۳ و ۵۴ (با چهار طریق از امام علی علیه السلام. و قال ابن جریر: هذا خبر عندنا صحیح سنده)؛ علوی، ص ۳ و ۱۰ و ۲۰؛ مناوی، ج ۳، ص ۶۰ (آورده است: «أنا دارالحکمة» و فی روایة أنا مدینة الحکمة «و علیّ بابها» أی علیّ بن أبي طالب هو الباب الذی یدخل منه إلی الحکمة فناهیک بهذه المرتبة ما أسناها و هذه المنقبة ما أعلاها)؛ عجلونی، ج ۱، ص ۲۰۳ (به نقل از: امام علی علیه السلام)؛ علوی، (این حدیث را صحیح دانسته است).

۱. ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۳۸۳ و ۳۸۴ (با اسناد خویش)؛ ذهبی، ج ۲، ص ۳۲۷؛ موفّق خوارزمی، ص ۸۷؛ سیوطی، ج ۲، ص ۱۷۷؛ عبدالله بن عدیّ، ج ۴، ص ۱۰۱ (با ذکر سند)؛ ابن أبی الحدید، ج ۹، ص ۱۶۵ (گاهی نیز فرموده است: «خازن علمی»)؛ علوی، ص ۷۲؛ إربلی، ج ۱، ص ۹۰؛ قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۱۵۹ و ۳۸۹ و ۳۹۰؛ ج ۲، ص ۷۷ و ۹۶.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

أی مظنة استفصاحی و خاصتی و موضع سرّی و معدن نفائسی. و العیبة ما یحرز الرجل فی نفائسه. قال ابن درید: و هذا من کلامه الموجز الذی لم یسبق ضرب المثل به فی إرادة اختصاصه بأموره الباطنة التی لا یطلع علیها أحد غیره و ذلک غایة فی مدح علیّ و قد کانت ضمائر أعدائه منطویة علی اعتقاد تعظیمه و فی شرح الهمزیة: أنّ معاویة کان یرسل یسأل علیاً عن المشکلات فیجیبه فقال أحد بنیه: تجیب عدوّک قال: أما یکفینا أن احتاجنا و سألنا.[1]

نیز از ابو سعید خدری نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«إن عیبتی التی آوی إلیها أهل بیتی». (ابن سعد، ج ۲، ص ۲۵۱ و ۲۵۲؛ سیوطی، ج ۳، ص ۲۷۰)

از سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و مطالب یاد شده، به دست می‌آید که امیرمؤمنان امام علی و سایر اهل‌بیت علیهم السلام، صاحبان سرّ و کلید داران خزینهٔ علم رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و کسانی که این‌گونه‌اند، بهترین مرجع برای امّت پس از پیامبرش خواهند بود.

ب) حدیث «باب علمی»

از ابوذر نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«علیٌّ بابُ علمی و مبیّنٌ لأمّتی ما أُرسلتُ به مِن بعدی، حُبُّه إیمانٌ و بُغْضُه نفاقٌ و النظرُ إلیه رَأفةٌ»[2].

۱. مناوی، ج ۴، ص ۴۶۹ و ۴۷۰. نیز راغب اصفهانی در « المفردات فی غریب القرآن»: ص ۳۵۱، اصطلاح «عیبة» را به معنای «موضع سرّ» معنا کرده است.

۲. عجلونی، ج ۱، ص ۲۰۴؛ متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۱۴ و ۶۱۵؛ أحمد بن الصدیق المغربی، ص ۴۷؛ نیز، نک: إربلی، ج ۱، ص ۹۲؛ صالحی شامی، ج ۱۱، ص ۲۹۳؛ قندوزی حنفی، ج ۲، ص ۲۴۰ و ۳۰۱ (این لفظ را اضافه دارند: «...و مودّته عبادة»)؛
نیز، ر.ک: موفّق خوارزمی، ص ۱۲۹؛ قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۳۹۲ (با این لفظ: «.... و أنت باب علمی...»)؛ أحمد بن الصدیق المغربی، فتح الملک العلی بصحّة حدیث باب مدینة العلم علیّ: ص ۴۷ (علیّ باب علمي و مبیّن لأمتي ما أرسلتُ به من بعدی).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

نیز از ابن عبّاس نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«أتانی جبریل بدرنوك من الجنّة، فجلست علیه، فلما صرت بین یدی ربّی کلّمنی و ناجانی فما علمت شیئاً إلّا علمته علیّاً، فهو باب علمی، ثم دعا إلیه فقال: یا علیّ سِلْمُک سِلمی، و حَرْبُک حَربی، و أنتَ العَلَمُ فیما بینی و بین أمّتی[1]»

نیز عکرمه از ابن عبّاس نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به عبدالرحمن‌بن عوف فرمود:

«یا عبدالرحمن [بن عوف] إنکم أصحابی، و علیّ بن أبی‌طالب أخی و منّی و أنا من علیّ، فهو باب علمی و وصیّی، و هو و فاطمة و الحسن و الحسین هم خیرُ الأرضِ عنصراً و شرفاً و کرماً».[2]

این حدیث نیز مانند مجموعه احادیث «باب»، بیانگر جایگاه والای علمی و مرجعیّت امام علی علیه السلام در میان امّت است و افزون بر آن، امام علیه السلام را مبیّن وحی الهی پس از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بر می‌شمرد و محبّت به او را ایمان، و کینهٔ به او را نفاق می‌داند. نیز آشتی و جنگ با او را آشتی و جنگ با پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواند و بیان می‌کند که او و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام، بهترین نشانه میان آن پیامبر و امّت هستند. از همین‌رو است که اهل‌بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله، بهترین مرجع علمی در میان امّت پس از آن گرامی هستند.

ج) حدیث «عتبةُ علمی»

از ابن عبّاس نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«علیٌّ عتبةٌ علمی» (صالحی شامی، ج ۱۱، ص ۲۹۷؛ متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۰۳؛

۱. قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۲۱۷ (به نقل از موفّق‌بن أحمد خوارزمی و با ذکر سند از او).
۲. قندوزی حنفی، ج ۲، ص ۳۳۳. نیز از ابن عدیّ نقل شده است: «علیّ باب علمی» ر.ک: همان: ص ۳۹۳.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

احمدبن الصدیق المغربی، ص ۴۷)

این حدیث، امام علیه‌السلام را آستانه و ورودگاه علم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله معرفی می‌کند و همان نتایجی که از احادیث گذشته گرفته شد، برای این حدیث نیز صادق است. از این حدیث، نیز می‌فهمیم که بهترین مرجع برای امّت، امیرمؤمنان امام علی و سایر اهل‌بیت علیهم‌السلام ـ به عنوان شاگردان اوّل مکتب رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله ـ هستند.

بررسی سند و متن حدیث «باب» از دیدگاه منابع اهل سنّت

بررسی سند

ذیل حدیث «باب»، بیان شد که حاکم نیشابوری، حدیث یاد شده را با اسناد خویش، از ابن عبّاس نقل کرده؛ سپس می‌نویسد: «**هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه**». (حاکم نیشابوری، ج۳، ص ۱۲۷)

برخی از حدیث‌شناسان، ضمن این‌که بر ابن‌جوزی اشکال کرده‌اند، بر این باورند که «این حدیث به درجهٔ حَسَن منتهی می‌شود و ضعیف نیست؛ چه رسد به این‌که موضوع باشد. و ابن‌حجر گفته که حاکم آن را صحیح دانسته و ابن‌جوزی با وی مخالفت کرده و کذبش دانسته؛ ولی صواب، بر خلاف قول آن دو است و حدیث حسن است؛ نه صحیح و نه کذب». (الفتنی، ص ۹۵)

ابن حجر می‌گوید: «این حدیث، طُرق فراوان در مستدرک حاکم دارد و کمترین احوال این حدیث، این است که اصل دارد و شایسته نیست که موضوع دانسته شود». (ابن حجر، ج ۲، ص ۱۲۳)

مناوی، می‌نویسد که ابن‌جوزی، ذهبی، ابوزرعه و ابن‌معین، این حدیث را موضوع، غیرثابت و بدون اصل دانسته‌اند، و می‌افزاید: «أبوالشیخ [ابن حبّان] این حدیث را صحیح دانسته... وگروهی از امامان، از جمله حافظ علایی از او پیروی کرده، گفته است: هرکس حکم به وضع این حدیث بدهد به خطا رفته، و صواب آن است که به اعتبار طُرقش، حسن است؛ نه صحیح و نه ضعیف. و از الفاظ منکری

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

نیست که عقلها آن را برنتابد... زرکشی نیز گفته: این حدیث، به درجهٔ حسن می‌رسد و می‌توان به آن احتجاج کرد و ضعیف نیست؛ چه رسد به آنکه موضوع باشد. نیز در لسان المیزان، برای این حدیث، طُرُق فراوان از مستدرک وجود دارد که کمترین احوالش این است که این حدیث، اصل دارد و شایسته نیست که موضوع دانسته شود. و خطیب در تاریخ، حدیث را با لفظ مزبور، از معاویةبن أعمش، از مجاهد، از ابن عبّاس آورده، سپس می‌گوید: قاسم گفت: از ابن معین دربارهٔ این حدیث پرسیدم، گفت: صحیح است. خطیب می‌گوید: مرادش این بوده که این حدیث، از طریق أبومعاویه صحیح است و باطل نیست زیرا بسیاری از افراد از او نقل کرده‌اند و ابن حجر به حُسن این حدیث فتوا داده و بخاری نیز از او پیروی کرده و گفته: «این حدیث، حسن است». (مناوی، ج ۳، ص ۶۰ و ۶۱)

از آنچه بیان شد، به دست می‌آید که دو دیدگاه دربارهٔ حدیث «باب» وجود دارد: یکی دیدگاه نفی؛ دیگری دیدگاه اثباتی. افرادی چون ابن تیمیه، با اعتماد بر نظر ابن‌جوزی، این حدیث را تکذیب می‌کنند. امّا حدیث شناسانی چون ابن معین و حاکم نیشابوری، حدیث را «صحیح» و یا «حسن» دانسته‌اند. با این اوصاف، کمترین درجهٔ این حدیث شریف، نزد بسیاری از حدیث‌شناسان اهل سنّت، این است که «حسن» است.

بررسی متن

این حدیث، یکی از بهترین نشانه‌ها بر اعلمیّت و مرجعیّت امیرمؤمنان امام علی علیه‌السلام در میان امّت پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است. در این‌باره به شرح مناوی، دربارهٔ حدیث باب اکتفا می‌کنیم. وی می‌گوید: «به راستی، مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، شهری جامع برای معانی همهٔ دیانات است و ناگزیر باید این شهر را دری باشد و خبر داده است که درِ این شهر، همان علی کرّم الله وجهه است. پس هر آنکه راه وی را بگیرد، به شهر وارد می‌شود؛ و هر آنکه آن را گم کند، راه هدایت را گم می‌کند. و موافق و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

مخالف و دشمن و همراه، همگی به اعلمیّت اوگواهی داده‌اند». (همان)

اکنون از جناب ابن تیمیّه باید پرسید که وی با کدام استدلال، دروغ بودن این حدیث شریف را از خود متن، به دست آورده است؟!! بر سخن مناوی می‌افزاییم که فراوان بودن مبلّغان و تواتر نقل از سوی آنان، منافاتی با آن ندارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله، تبلیغ خویش را از مسیر شاگرد اوّل معصوم و مصون از خطای خویش گسترش دهد. این‌گونه سخنان، ریشه در نادیده انگاشتن مقام عصمت امام علیه السلام و همسان انگاشتن و یا حتی پایین‌تر دانستن آن حضرت از سایر صحابه دارد؛ به همین دلیل است که به راحتی، اجتهاد در برابر نصّ می‌کنند.

جالب است که بر وزن حدیث «**أنا مدینة العلم و علیٌّ بابُها**»، سخنانی «بدون سند» یا «مرفوع» یا «ضعیف» برساخته و به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند که به دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. «**أنا مدینة العلم و أبوبکر أساسها و عمر حیطانها و عثمان سقفها و علیّ بابها**»

۲. «**أنا مدینة العلم و علیّ بابها و معاویة حلقتها**».

عجلونی، دربارهٔ بر ساختهٔ نخست، می‌نویسد: «**الدیلمی بلا إسناد عن ابن مسعود رفعه...**». همو در نقد دو سخن یاد شده و تحسین حدیث «باب» می‌نویسد: «**قال فی المقاصد بالجملة فکلّها ضعیفة و ألفاظ أکثرها رکیکة؛ و أحسنها حدیث ابن عبّاس بل هو حسن**».[1]

واقعیت این است که ابن تیمیه، در برخورد با هریک از فضایل اهل بیت علیهم السلام، بر استدلالهای نااستوار تکیه می‌کند، مسلّمات روایی و تاریخی نزد اهل سنّت را نادیده می‌گیرد، به مرجعیت‌زدایی از ساحت مقدّس اهل بیت علیهم السلام و مرجعیت‌سازی

۱. ر.ک: عجلونی، ج ۱، ص ۲۰۴. برای آگاهی بیشتر از حدیث «باب» و بررسی شبهات پیرامون آن، ر.ک: حسینی میلانی، ص ۲۲۶ ـ ۲۲۹. نیز، ر.ک: علوی، ص ۳ و ۱۰ و ۱۱؛ رضوانی، ص ۱۶۰ ـ ۲۰۴؛ رضوانی، ص ۸۹ و ۹۰.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

در مقابل آنان، همّت می‌گمارد[1] که حدیث «باب»، یکی از این نمونه‌ها است.

نظریهٔ وی دربارهٔ مجموعه احادیث «باب»، از دو حالت خارج نیست؛ یا این همه نظرات اهل سنّت دربارهٔ صحّت و حُسن حدیث «باب» را ندیده، که پژوهشی ناتمام انجام داده و زیبندهٔ یک پژوهشگر نیست؛ و یا دیده ـ ولی نادیده انگاشته ـ که کاری نکوهیده، خارج از انصاف و به دور از اصول پژوهش علمی است.

نتیجه

با بررسی حدیث «باب» در منابع اهل سنّت ـ از یک سو ـ و سیرهٔ ابن تیمیه در برخورد یک سویه و هدفمند با فضایل اهل‌بیت علیهم‌السلام ـ از دیگر سوی – نتیجه گرفته می‌شود که مجموعه احادیث «باب»، با طُرق گوناگون و با سندهای صحیح و حَسَن در منابع اهل سنّت وارد شده است.

پس نظریهٔ ابن تیمیه دربارهٔ حدیث «باب» ـ که مبتنی بر دیدگاه ابن جوزی و یک‌سویه نگریهای وی است ـ پذیرفتنی نیست.

۱. ر.ک: ابن تیمیه، ج ۴، ص ۳۱ ـ ۳۸؛ محمّدبن عبدالوهّاب، ج۴، ص ۶۳ و ۶۴ (توجیه آیهٔ «تطهیر» و شأن نزول آن)؛ ابن تیمیه، همان: ج ۴، ص ۵۲ ـ ۵۵ (عدم پذیرش نزول آیهٔ «مباهله» در خصوص اهل‌بیت علیهم‌السلام)؛ همان: ج ۴، ص ۱۶۸ (تضعیف و توجیه حدیث «ثقلین»)؛ همان: ج ۴، ص ۱۶۵ و ۱۶۶ (تضعیف حدیث «سفینه» و ادّعای این‌که هیچ إسناد صحیحی برای آن شناخته نمی‌شود)؛ همان: ج ۴، ص ۲۱۶ ـ ۲۵۲ (تضعیف حدیث «أقضاکم علی»)؛ همان: ج ۴، ص ۲۴۸ ـ ۲۵۰ (توجیه حدیث «سلونی») و....

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

منابع

۱. ابن ابی‌جمهور، احسائی. **عوالی اللآلی**. قم: انتشارات سیّد الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۵ ق.

۲. ابن أبی الحدید. **شرح نهج البلاغة**. تحقیق: محمّد أبوالفضل إبراهیم. نشر: داراحیاء الکتب العربیة، چاپ: انتشارات کتابخانة آیة الله العظمی مرعشی نجفی.

۳. ابن تیمیة حرّانی. **منهاج السنّة النبویّة فی نقض کلام الشیعة و القدریّة (منهاج الاعتدال فی نقض کلام أهل الرفض و الاعتزال)**. تحشیه و تخریج: عبدالله محمود محمّد عمر. بیروت: دارالکتب العلمیّة، ۱۴۲۰ ق.

۴. ابن حجر عسقلانی. **لسان المیزان**. بیروت: مؤسّسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۵. ابن سعد. **الطبقات الکبری**. بیروت: دار صادر.

۶. ابن عساکر. **تاریخ مدینة دمشق**. تحقیق: علی شیری. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.

۷. ابویعلی موصلی تمیمی، أحمد بن علیّ بن مثنّی. **مسند أبی یعلی الموصلی**. تحقیق: حسین سلیم أسد، دارالمأمون للتراث ـ دارالثقافة العربیّة.

۸. احمدبن الصدیق مغربی. **فتح الملک العلی بصحّة حدیث باب مدینة العلم علیّ**. تحقیق: محمّد هادی أمینی. اصفهان: مکتبة أمیرالمؤمنین.

۹. إربلی، علیّ بن عیسی بن أبی الفتح. **کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة**. بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۵ ق.

۱۰. ألبانی، محمّد ناصرالدین. **ضعیف سنن الترمذی**. تحقیق: زهیر الشاویش، ریاض: مکتبة الإسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۱۱. حاکم حسکانی، عبیدالله بن أحمد. **شواهد التنزیل لقواعدالتفضیل فی‌الآیات النازلة فی أهل البیت**. تحقیق: شیخ محمّد باقر محمودی. مجمع إحیاء الثقافة الإسلامیّة (التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی)، ۱۴۱۱ ق.

۱۲. حاکم نیشابوری، محمّدبن محمّد. **المستدرک علی الصحیحین**. تحقیق: دکتر یوسف مرعشلی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.

۱۳. حسینی میلانی، سیّد علی. **دراسات فی منهاج السنّة لمعرفة ابن تیمیّة (مدخل لشرح منهاج**

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

الکرامة). قم: حقایق، ۱۴۲۶ ق.

۱۴. ذهبی، أبوعبدالله شمس الدین محمّدبن أحمد. **میزان الاعتدال**. تحقیق: علی محمّد البجاوی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۸۲ ق.

۱۵. راغب اصفهانی. **المفردات فی غریب القرآن**. دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ ق.

۱۶. رضوانی، علی اصغر. **ابن تیمیّه مؤسّس افکار وهّابیت**. قم: مسجد مقدّس جمکران، ۱۳۸۵ ش.

۱۷. ـــــــــــ. **مرجعیّت دینی أهل بیت**علیهم‌السلام **و پاسخ به شبهات**. قم: مسجد مقدّس جمکران، ۱۳۸۶ ش.

۱۸. زمخشری، محمودبن عمر. **الفائق فی غریب الحدیث**. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.

۱۹. سقاف، حسن‌بن علی. **تناقضات الألبانی الواضحات**. دارالإمام النووی، ۱۴۱۸ ق.

۲۰. سیوطی، جلال الدین محمّدبن عبدالرحمن‌بن أبی‌بکر. **الجامع الصغیر**. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.

۲۱. ـــــــــــــــــــــــ. **الدرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور**. نشر: دارالمعرفة، چاپ: جدّه- فتح، ۱۳۶۵ ق.

۲۲. صالحی شامی، محمّدبن یوسف. **سبل الهدی و الرشاد (سبل الهدی فی سیرة خیر العباد)**. تحقیق: عادل أحمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیّة، ۱۴۱۴ ق.

۲۳. طبرانی لخمی، سلیمان‌بن أحمدبن أیّوب. **المعجم الکبیر**. تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره: مکتبة ابن تیمیة.

۲۴. عبدالله بن الصدیق المغربی الغماری. **ردّ اعتبار الجامع الصغیر**. (باب التیسیر فی ردّ اعتبار الجامع الصغیر). تحقیق: شیخ أحمد درویش. شیکاگو: مدرسه باز.

۲۵. عبدالله بن عدّی جرجانی، أبوأحمد. **الکامل فی ضعفاء الرجال**. تحقیق: دکتر سهیل. بیروت: دارالفکر، زکار، ۱۴۰۹ ق.

۲۶. عجلونی جراحی، إسماعیل بن محمّد. **کشف الخفاء و مزیل الالباس**. بیروت: دارالکتب العلمیّة، ۱۴۰۸ ق.

۲۷. علوی، سیّد علیّ بن محمّد. **دفع الارتیاب عن حدیث الباب**. نشر: دارالقرآن الکریم، چاپ: شرف،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]

لیتوگرافی کرمانی.

۲۸. الفتنی، محمّد طاهربن هندی. **تذکرةالموضوعات**.

۲۹. قرطبی، أبوعبدالله محمّدبن أحمد أنصاری. **الجامع لأحکام القرآن (تفسیر القرطبی)**. بیروت: مؤسّسة التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ق.

۳۰. قندوزی حنفی، سلیمان‌بن إبراهیم. **ینابیع المودّة لذوی القربی**. تحقیق: سیّد علی جمال أشرف الحسینی، دارالأسوة، ۱۴۱۶ ق.

۳۱. مبارکفوری. **تحفة الأحوذی فی شرح الترمذی**. بیروت: دارالکتب العلمیّة، ۱۴۱۰ ق.

۳۲. متّقی هندی. **کنزالعمّال**. تحقیق: شیخ بکری حیانی، شیخ صفوة الصفا. بیروت: مؤسّسة الرسالة.

۳۳. محمّدبن عبدالوهّاب. **المسائل التی لخّصها شیخ الإسلام محمّد بن عبدالوهّاب من فتاوی ابن تیمیّه**. ریاض: دار عالم الکتب، ۱۴۰۸ ق.

۳۴. مناوی، محمّد عبدالرؤوف. **فیض القدیر شرح الجامع الصغیر**. تحقیق: أحمد عبدالسلام. چاپ و نشر: بیروت، دارالکتب العلمیّة، ۱۴۱۵ ق.

۳۵. موفّق خوارزمی، موفّق بن أحمدبن محمّد مکّی خوارزمی. **المناقب**. تحقیق: شیخ مالک المحمودی، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی (التابعة لجماعة المدّرسین بقم المشّرفة)، ۱۴۱۱ ق.

۳۶. هیثمی، نورالدین. **مجمع الزوائد و منبع الفوائد**. بیروت: دارالکتب العلمیّة، ۱۴۰۸ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.4.5]